



دانشگاه لرستان

Issn online: 2980-8944
New researches in Islamic humanities studies
<http://www.api.lu.ac.ir>



Analysis of the criteria for issuing hadiths from the perspective of the Algerian modernist In two commentaries "Ghayy al-Maram" and "Kashf al-Asrar"

SHir Mohamad Alipor *

* Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Lorestan, Khorramabad, Iran. alipour.sh@lu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received
September 17, 2022
Accepted
December 21, 2022

Keywords:
*Issuing hadiths,
Algerian muhadith,
Ghaya al-Maram,
Kashf al-Asrar*

ABSTRACT

Muhaddath Jazaeri (1112-1050 AH), one of the prominent Shiite scholars and a special student of Allama Majlisi, has many works. He has spent most of his academic life learning and writing in the field of hadith topics and has the foundations and thoughts of hadith and jurisprudence. Based on his religious principles, he wrote all the asanids of the two books of Tahhib al-Ahkam and Astabsar of Sheikh Tusi based on the term of diversification of hadith of the later generations, in addition to the comprehensive explanations he wrote on those two books under the titles of "Ghaya al-Maram", "Maqsood al-Anam" and "Kashf al-Asrar". Validated.

The present research has analyzed and explained his most important principles and presented the flaws and shortcomings of his work. Not being satisfied with specific confirmations and believing in some general confirmations, as well as benefiting from narrative fame, practical fame, and acceptance as evidence to ensure the issuance of hadiths are considered among the foundations and thoughts of his majal. Despite the fact that he has put all his efforts in validating hadiths, his work is not without mistakes and shortcomings.



تحلیل ملاک های صدور احادیث از دیدگاه محدث جزائری در دو شرح «غایة المرام» و «کشف الاسرار»

شیر محمد علیپور^۱

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، لرستان، خرم آباد، ایران. alipour.sh@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۶/۱۰

پذیرش نهایی:

۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

صدور احادیث، محدث جزائری،
غایة المرام، کشف الاسرار

چکیده

محدث جزائری (۱۰۵۰ق - ۱۱۱۲ق) از دانشمندان برجسته شیعه و شاگرد خاص علامه مجلسی، دارای آثار بسیاری است. وی بیشتر حیات علمی خود را صرف یادگیری و تألیف در حوزه مباحث حدیثی نموده است و دارای مبانی و اندیشه های فقه الحدیثی و رجالی منسجمی است. وی بر پایه مبانی رجالی خود تمامی اسانید دو کتاب تهذیب الأحکام و استبصار شیخ طوسی را برپایه اصطلاح تنويع حدیث متأخران، در ضمن شروح جامعی که تحت عناوین «غایة المرام»، «مقصود الأنام» و «کشف الاسرار» بر آن دو کتاب نوشته، اعتبار سنجی نموده است.

پژوهش حاضر مهم ترین مبانی وی را تحلیل و تبیین و ایرادها و کاستی های کار وی را ارائه نموده است. اکتفاء نکردن به توثیقات خاص و اعتقاد به برخی توثیق های عام و نیز بهره مندی از شهرت روایی، شهرت عملی و مقبولیت به عنوان قرآنی جهت اطمینان به صدور احادیث از جمله مبانی و اندیشه های رجالی وی به شمار می آید. وی علی رغم این که تمام تلاش خود را در اعتبار سنجی احادیث به کار گرفته با این همه کار وی بدون اشتباه و کاستی نیست.

روند اعتبار سنجی خبر واحد بر اساس اصطلاح تنويع حديث از دیدگاه متأخران به ویژه در احادیث فقهی منوط به اثبات اتصال سلسله سند تا معصوم علیه السلام و احراز وثاقت تمامی روایان آن است. اعتبار سنجی روایات بر اساس این دیدگاه البته با دشواری‌هایی از قبیل اختلاف نظر رجال شناسان در خصوص وثاقت روایان، مشترک بودن نام روایان، مجهول بودن یا مهمل بودن حال رجالی آن‌ها و عدم اتصال اسانید قابل توجهی از روایات همراه است. محدث جزائری (۱۰۵۰ق - ۱۱۱۲ق) که یکی از حدیث شناسان برجسته شیعه در قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری و از شاگردان خاص علامه مجلسی است (جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۷۵/۲) بر اساس دیدگاه متأخران به بررسی و اعتبار سنجی روایات دو کتاب از کتب اربعه حدیثی شیعه یعنی: تهذیب الأحکام و استبصار شیخ طوسی، پرداخته است.

او احادیث کتاب تهذیب الأحکام را در ضمن دو شرح؛ یکی مبسوط و جامع و تحت عنوان «مقصود الأنام» و دیگری مختصر و جامع و تحت عنوان «غایة المرام» و احادیث کتاب استبصار را در ضمن شرحی جامع با عنوان «کشف الاسرار» اعتبار سنجی نموده است.

وی در اعتبار سنجی روایات دو کتاب مذکور بر اساس مبانی و اندیشه‌های رجالی منسجمی که ویژه خود اوست، تمام تلاش خود را به کار بسته تا به رفع ابهاماتی که پیرامون احوال رجالی روایان و معضلات مربوط به روایان مشترک و عدم اتصال اسانید وجود دارد، بپردازد و در نهایت طی فرایند سند پژوهی گسترده‌ای رأی خود را در خصوص درجه اعتبار تک تک احادیث مذکور ابراز نماید.

جایگاه و اهمیت تهذیب الأحکام و استبصار در ارائه احادیث فقهی و نقش اعتبار سندی در اثبات اصالت احادیث فقهی از یک سو و جایگاه دو شرح «غایة المرام» و «کشف الاسرار» در اعتبار سنجی روایات دو کتاب مذکور از دیگر سو، انجام پژوهشی مستقل در این زمینه را ضروری می‌سازد تا باشد که از این رهگذر یکی از ابعاد حدیث پژوهی محدث جزائری نیز، که تا حدودی ناشناخته مانده است، بیشتر نمایان شود.

دو سؤالی که پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به آن‌ها است عبارتند از:

۱- معیارهای وثاقت یا عدم وثاقت روایان و ملاک‌ها و معیارهای صدور و انتساب حدیث به معصوم از دیدگاه محدث جزائری در دو شرح «غایة المرام» و «کشف الاسرار»؟

۲- محدث جزائری در اعتبار سنجی روایات دو کتاب تهذیب و استبصار به چه مییزان موفق بوده و چه ایرادهایی بر کار وی وارد است؟

با توجه به این که دو کتاب «غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام» و «کشف الاسرار فی شرح الاستبصار» تاکنون مخطوط مانده اند و تصحیح و چاپ نشده اند لذا، تاکنون نیز پژوهشی درباره آن‌ها و بررسی و تحلیل ملاک‌های صدور احادیث در آن‌ها سامان نیافته است. البته گفتنی است کشف الاسرار که سه جلد است تنها یک جلد آن با تصحیح و تعلیق سید طیب جزائری چاپ شده است و حاوی اندک نکات پراکنده‌ای درباره نظرهای رجالی محدث جزائری است.

۲- نگاهی گذرا بر زندگی نامه محدث جزائری

نام وی «نعمت الله بن سید عبد الله» است که در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در قریه صباغیه - یکی از قریه‌های جزائر بصره - متولد شد. (جزایری، ن. ب: ۱۴۳۱: ۲۵۹/۴ و ۲۶۰). وی از سن پنج سالگی ابتدا در زادگاه خود و سپس در روستای کارون و دیار بنی اسد زندگی علمی اش را با یادگیری قرآن و برخی کتب ادبی عربی آغاز کرد (جزایری، ن. ب: ۱۴۳۱: ۲۶۰/۴) آن گاه به مدت حدود نه سال اقامت در شیراز به ادامه تحصیل پرداخت (همان: ۲۶۵/۴) و در نهایت به اصفهان سفر کرد وی در آنجا در محضر علامه محمد باقر مجلسی به یادگیری علوم حدیث پرداخت و چهار سال در منزل ایشان اقامت کرد. او همچنین در مدرسه ی میرزا

تقی اصفهان به تدریس پرداخت و مجموعاً هشت سال در آن شهر به تحصیل و تدریس اشتغال داشت. (جزایری، ن.ب: ۱۴۳۱: ۴ / ۲۶۷) وی بعداً - حدود سال (۱۰۷۹) - به در خواست، اهالی شوشتر آن دیار را برای اقامت برگزید و در منزلی که نزدیک مسجد جامع شهر بود و برای او در نظر گرفته شده بود، اسکان یافت و در حوزه علمیه ای که اهالی شوشتر آن را تدارک دیده بودند، مشغول تدریس و تربیت طلاب علوم دینی شد و منصب شیخ الاسلامی را نیز از سوی شاه سلیمان صفوی بر عهده گرفت. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۰۱) تا این که «در شب جمعه بیست و سوم شوال سال ۱۱۱۲ هجری قمری حدود دو سال بعد از وفات استادش، علامه مجلسی، در قریه جایدرد گذشت» (خوانساری، بی تا: ۱۵۹/۸) و در همانجا دفن گردید که مرقد پاک وی منشأ کرامات و برکاتی نیز بوده است. (جزایری، م. ۱۴۰۸:)

گفتنی است وی جز هنگام وفات زمانی دیگر در جایدرد سکونت نداشته است و ماجرای وفات وی در این منطقه هم به این علت بوده است که موقع برگشتن از سفر زیارتی مشهد مقدس هنگام عبور از جایدرد در آنجا بیمار شده و درگذشته و به خاک سپرده شده است. (جزایری، م. ۱۴۰۸:)

۳- شروح محدث جزایری بر تهذیب الأحکام و استبصار

محدث جزایری دارای حدود شصت عنوان تألیف در حوزه های ادبی و علوم مختلف اسلامی از قبیل: صرف، نحو، شرح متون حدیث، تفسیر، فقه، و کلام است. که البته بیشتر آثار وی به حوزه شرح متون حدیثی اختصاص دارد. و چنان که از مقدمه «کشف الاسرار» بدست می آید وی بعد از یادگیری ادبیات عرب و فقه ده سال - بیست تا سی سالگی - را به فراگیری علوم حدیث از علمای دوره خویش بویژه علامه محمدباقر مجلسی پرداخته است. آن گاه به شرح متون حدیثی مشغول شده است. (جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۱/ ۴۶۰ - ۴۶۲).

۳-۱- «مقصود الأنام فی شرح تهذیب الأحکام»

به اذعان خود وی اولین کتابی که به طور مستقل بر آن شرح نوشته است، کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی است (جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۱/ ۴۶۰ - ۴۶۲). وی دو شرح جامع بر تهذیب الاحکام شیخ طوسی نوشته است. یک شرح کبیر به نام مقصود الانام که در دوازده جلد است (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۰۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۱۳/۲۲) و یک شرح صغیر به نام غایة المرام که خلاصه شرح کبیر و در هشت جلد است (جزایری، ن. ب: ۱۴۳۱: ۴ / ۲۷۷).

۳-۱-۱- انگیزه نگارش

وی انگیزه نگارش این شرح را اولاً مشتمل بودن کتاب تهذیب الأحکام بر احادیث حلال و حرام و فصل الخطاب بودن آن در این زمینه و ثانیاً نبودن شرحی (مبسوط) در مورد آن ذکر کرده است، چنان که می نویسد:

«قالوا: و هذا (تهذیب الأحکام) و فصل الحلال و الحرام لم يوجد له شرح الی الآن، فشرحته شرحاً مبسوطاً وافياً و جعلته منهلاً عذبا صافياً» (جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۱/ ۴۶۰ - ۴۶۲).

۳-۱-۲- شیوه نگارش

وی ابتدا، احادیث هر باب را به صورت تک تک و جداگانه ذکر نموده، آن گاه، در ذیل هر کدام از آن ها و تحت عنوان «قوله» به بررسی سندی و سپس به بررسی متنی آن ها می پردازد. گفتنی است وی متن احادیث و اسناد تهذیب الأحکام ذکر نکرده است بلکه صرفاً به ذکر یک کلمه یا چند کلمه از آغاز سند بسنده نموده است. در اعتبار سنجی اسانید نیز از حروف اختصاری استفاده کرده است: (صحیح=صح، حسن=ح، موثق=م و ضعیف=ض).

۳-۱-۳- زمان نگارش

جلد چهارم در سال ۱۰۷۹ ق آغاز گردیده و در سال ۱۰۸۰ ق به پایان رسیده و بقیه مجلدات تا سال ۱۰۹۳ ق تألیف شده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۱۳/۲۲)

۳-۱-۳- نسخه‌های موجود

از کتاب مقصود الأنام هم اکنون تنها جلد سوم و چهارم باقی مانده است. جلد سوم که از «باب مواقیات الصلاة» تا آخر «باب متى يؤمر الصبي بالصلاة» است و سید طیب جزائری نسخه‌ای از آن را در نزد آقا تستری (جزائری) که به خط خود محدث جزائری است رؤیت نموده است. (طیب جزائری ضمن مقدمه: جزائری، ن. ۱۴۰۸: ۴۶۰-۴۶۲).

جلد چهارم نیز که از «العمل فی لیلۃ الجمعة و یومها» تا آخر «کتاب صوم» است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره 7703 و بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، موجود است (دانش‌پژوه و علمی انواری، ۱۳۵۹ش: ۱۹۶/۲۶؛ صدارایی خوبی، ۱۳۸۲ش: ۵/۴۲۲) مقصود الانام رساله دوم این نسخه و از برگه (۳۱۱ تا ۲۲۹) است. رساله اول نسخه نیز از برگه ۱ تا ۲۲۷ مربوط به قسمتی از اوایل نسخه غایه المرام است.

سید طیب جزائری نیز نسخه‌ای از جلد چهارم را در نزد آقا تستری (جزائری) و به خط خود محدث جزائری را رؤیت نموده است. (طیب جزائری ضمن مقدمه: جزائری، ن. ۱۴۰۸: ۴۶۰-۴۶۲).

۳-۲- «غایه المرام فی شرح تهذیب الأحکام»

محدث جزائری در پایان مجلد چهارم نام دیگری را برای این شرح تحت عنوان «البحور الزاخرة فی شرح أحادیث العترة الطاهرة» (جزائری، ن. غایه المرام، مخطوط، شماره ۴۰۶۰ ص ۳۷۵) ذکر کرده است که البته نه خود وی (به استثنای این یک مورد) و نه تراجم نگاران از این شرح با عنوان مذکور یاد نکرده اند بلکه از آن تنها با عنوان «غایه المرام» یا شرح صغیر یاد کرده اند. (بنگ: جزائری، ن. ب: ۱۴۳۱: ۴/۲۷۷؛ شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۰۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۱۳/۲۲؛ خوانساری، بی تا: ۱۵۶/۸)

۳-۲-۱- انگیزه نگارش

به اذعان خود وی آنچه باعث شده است وی به خلاصه نمودن مقصود الأنام و نگارش غایه المرام اقدام نماید، دو امر بوده است:

۱- در هنگام نگارش مقصود الأنام به خاطر حمله بیگانگان به منطقه آنان و ایجاد جنگ و درگیری و در نتیجه تشویش خاطر وی، همراه با نوعی اضطراب و ناهماهنگی در ارائه مطالب بوده است. (جزائری، ن. غایه المرام، مخطوط، شماره ۵-۸۵۸۵، برگه ۳۸۹)

۲- محدث جزائری مقصود الأنام را مشتمل بر مطالبی اضافی دانسته که وجود آن‌ها را ضروری ندانسته لذا در صدد حذف آن‌ها برآمده است. (جزائری، ن. غایه المرام، مخطوط، شماره ۴۹۵۸، برگه ۱؛ شماره ۵-۸۵۸۵، برگه ۳۸۹)

۳- برخی مطالب جدید را هم مناسب دیده که به آن اضافه نماید چنان که وی در آخر غایه المرام می گوید: «فجاء کتاباً مشحوناً من فوائد الاوائل و الاواخر». (جزائری، ن. شماره ۵-۸۵۸۵، برگه ۳۸۹).

بنابراین باید انگیزه وی از نگارش کتاب غایه المرام را تدوین کتابی مختصر در شرح تهذیب الأحکام دانست که علاوه بر این که داری نظمی سامان یافته باشد، تحقیق‌ها و یافته‌های علمی جدید وی را نیز شامل شود.

۳-۲-۲- شیوه نگارش

وی در جلد اول ابتدا، احادیث هر باب را به صورت تک تک و جداگانه سند ذکر نموده، آن گاه، در ذیل هر کدام از آن‌ها و تحت عنوان «قوله» به بررسی سندی و سپس به بررسی متنی آن‌ها می پردازد. اما از اواخر جلد دوم (باب صفة الوضوء و الفرض منه و السنّة) شیوه خود را تغییر داده و همه یا تعدادی از احادیث هر باب را یکجا و در پی هم مورد اشاره قرار داده و بررسی می کند. (جزائری، ن. غایه المرام، مخطوط، شماره ۴۹۵۸، برگه ۳۲۵) به گونه‌ای که گاهی بیش از ده حدیث را با هم بررسی می کند به عنوان نمونه در «باب الصلاة فی السفینة» آمده است:

« قوله: (عنه عن محمد) ضعيف و الثاني مجهول و الثالث صحيح و الرابع مجهول و الخامس ضعيف و السادس مجهول و السابع حسن و الثامن موثق و التاسع ضعيف و العاشر صحيح و كذا الحادي عشر و الثاني عشر مجهول و الثالث عشر صحيح». (جزائری، ن. غایة المرام، مخطوط، شماره ۴۹۵۸، برگه ۵۴۸)

گفتنی است وی در غایة المرام نیز متن احادیث و اسناد تهذیب الأحكام را ذکر نکرده است بلکه صرفاً به ذکر یک کلمه یا چند کلمه از آغاز سند بسنده نموده است.

۳-۲-۳- زمان نگارش

وی مجلد اول غایة المرام را در روز شنبه ۱۹ شعبان ۱۰۹۱ ق و مجلد هشتم در روز دوشنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۰۹۹ ق در شوشتر به پایان رسانیده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۸/۱۶ و ۱۵۸/۱۳).

۳-۲-۴- نسخه های موجود

غایة المرام به جهت اهمیتش نسبت به مقصود الأنام بیشتر مورد توجه خود محدث جزائری، شاگردانش و دیگر علما بوده است به همین جهت نسخه های تکثیر یافته از آن نیز بیشتر هستند و امروزه نسخه های مختلفی از آن که هر کدام مشتمل بر مجلد یا مجلداتی از آن هستند در کتابخانه های مجلس، آیت الله مرعشی، دانشکده پزشکی شیراز، دانشگاه تهران، مرکز احیاء میراث اسلامی، گوهرشاد، گلپایگانی (صداری خویی، ۱۳۸۲ ش: ۱۰۸/۵-۱۱۱) و کتابخانه ملی موجود است.

گفتنی است در مقاله حاضر از نسخ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه ملی استفاده شده است.

۳-۳-۱- کشف الأسرار فی شرح تهذیب الأحكام

۳-۳-۱- انگیزه نگارش

وی - چنان که در مقدمه کشف الاسرار بیان کرده - به عنوان تدریس برای گروهی از شاگردان خاص خود مطالبی به عنوان تعلیقه بر استبصار ارائه می دهد سپس به انگیزه در امان ماندن مباحثش از تحریف یا پراکنده شدن و نابودی، آن ها را در قالب شرح استبصار و تحت عنوان «کشف الاسرار فی شرح الاستبصار» ارائه می دهد. (جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۱/ 462-463).

۳-۳-۲- شیوه نگارش

شیوه نگارش کشف الاسرار همانند شیوه نگارش غایة المرام است و همانند آن در آغاز کتاب در ضمن ده جوهر اقسام حدیث، روش اصحاب کتب اربعه، طریق روایت خود و مطالبی دیگر را ذکر کرده است.

۳-۳-۳- زمان نگارش

خود وی پایان فراغت از نگارش جلد اول را هفتم ربیع الاول سال ۱۰۸۸ هجری قمری و جلد دوم را پنجم جمادی الثانی ۱۰۸۸ هجری قمری و جلد سوم را رجب سال ۱۰۹۹ هجری قمری بیان کرده است. (جزائری، ن. کشف الاسرار، مخطوط به نقل از: جزائری، م. ۱۴۳۴ق: ۱۰۰-۱۰۳).

۳-۳-۴- نسخه های موجود

کشف الاسرار دارای نسخه های متعددی است که مجلد اول آن در کتابخانه آیت الله مرعشی به دست خط خود محدث جزائری موجود است و طیب جزائری نیز در تصحیح به عنوان یکی از منابع از آن بهره مند شده است (سید طیب جزائری ضمن مقدمه: جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۱/ ۱۹۱ و ۱۹۳) هم اکنون نسخه های موجود این کتاب در کتابخانه های آیت الله مرعشی، دانشگاه تهران، ملک، گوهرشاد، آستان قدس رضوی، گلپایگانی (صداری خویی، ۱۳۸۲ ش: ۳۳۵/۵-۳۳۴) و کتابخانه ملی نگه داری می شوند.

۴- اعتبار سنجی روایات

۴-۱- مبنای محدث جزائری در اعتبار سنجی روایات تهذیب الاحکام و استبصار

محدّث جزائری ضمن این که بر این باور است که شیخ طوسی بر اساس صحیح قدمایی عمل نموده است (جزائری، ن. غایة المرام، ۳-۱، ص ۴۹) مبنای خود را در ارزیابی احادیث تهذیب و استبصار در دو شرح غایة المرام و کشف الاسرار صحیح متأخران قرار داده است. وی ضمن طرح بحثی در مورد اختلاف صحیح قدمایی و صحیح متأخران در نهایت می نویسد: «لکنّا جرینا فی هذا الكتاب علی طبق المجتهدین رضوان الله علیهم: و لکن در این کتاب (غایة المرام) بر اساس اصطلاح مجتهدان (اصولی ها= متأخران) رضوان الله علیهم عمل نموده ایم». (جزائری، ن. غایة المرام، ۳-۱، ص ۴۹).

۴-۲- شیوه اعتبار سنجی روایات

محدّث جزائری در اعتبار سنجی روایات و اثبات صدور و انتساب آن‌ها به معصوم بر اساس اصطلاح تنويع حدیث متأخران و از دو شیوه استفاده کرده است:

۱- بررسی حال رجالی آحاد سلسله سند

۲- استفاده از یک سری قرائن

در ذیل دو شیوه وی بررسی را می‌کنیم.

۴-۲-۱- اعتبار سنجی روایات بر اساس آحاد سلسله سند

وی در این شیوه تنها به مدح و توثیق صادر از سوی رجال شناسان که با الفاظ ویژه همانند ثقة، وجه، عین و... در خصوص تک تک راویان بسنده نکرده و آن را کافی نیز نمی‌داند چراکه راویان فراوانی در اسناد وجود دارند که چه بسا حال رجالی آنان و یا حتی نام آنان در اصول رجالی اولیّه که توسط رجال رجال شناسانی از قبیل برقی، کشّی، شیخ طوسی، و نجاشی نگاشته شده، ذکر نشده باشد تا چه رسد به این که با الفاظ ویژه مدح یا توثیق شده باشند و در نتیجه به لحاظ رجالی مجهول یا مهمل هستند. (جزائری، ن. ۱۴۰۸: ۲/۴۹) از این رو وی تأکید می‌ند که «الفاظ توثیق منحصر در الفاظ ویژه نیست بلکه توثیق اعم از لفظ یا آنچه در حکم لفظ است، می‌باشد» (جزائری، ن. ۱۴۰۸: ۲/۴۹).

در ذیل آن دسته از توثیقاتی که از دید وی با الفاظ ویژه بیان نشده‌اند و وی بر مبنای آن‌ها به اعتبار سنجی اسناد و به عنوان راهی جهت پی بردن به صدور و انتساب احادیث به معصوم علیه السلام استفاده نموده، ارائه و بررسی می‌شوند.

الف) اصحاب اجماع

کشّی در کتاب رجالش در ذیل عناوین «تسمیة الفقهاء من أصحاب الباقرین- علیهما السلام»، «تسمیة الفقهاء من أصحاب الصادق- علیه السلام» و «تسمیة الفقهاء من أصحاب کاظم و الرضا- علیهما السلام» (کشّی ضمن: طوسی، ۱۴۰۴ ق: ۲/۶۷۳ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۵۰۷) از گروهی از راویان با عبارت «قد اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصحح عنهم» یاد نموده است. از دیر باز در خصوص مراد کشّی از عبارت مذکور برداشت‌هایی وجود داشته است. یکی از این برداشت‌ها که برخی آن را نظر مشهور نیز دانسته‌اند (بهیانی، ۱۴۱۷ هـ ق: ۲۹) این است که:

هر حدیثی را که یکی از اصحاب اجماع روایت کرده باشد، مورد تأیید است، به شرط آنکه سلسله سند حدیث تا ایشان صحیح باشد؛ گرچه از فردی نقل کرده باشد که مجهول، مهمل یا ضعیف و یا حتی مشهور به فسق و جعل است و هرچند روایت مرسل، مقطوع یا مرفوع باشد.

محدّث جزائری ضمن بحثی مختصر که در کتاب کشف الاسرار درباره اصحاب اجماع و عبارت «تصحیح ما یصحح عنهم» ارائه نموده چنین به دست می‌آید که نظر فوق را پذیرفته است. چه، وی آنجا که معنای حدیث صحیح را ارائه می‌نماید حدیث صحیح را حدیثی می‌داند که علاوه بر اتصال سلسله راویان سند آن تا معصوم (علیه السلام) باید هریک از راویان آن نیز یا حائز دو ویژگی عادل بودن و ضابط بودن و یا ویژگی ای که قائم مقام این دو ویژگی است، باشند.



«فالصحيح هو متصل السند بلا علة الى المعصوم، برواية العدل الضابط، أو من يقوم مقامه عن مثله في جميع المراتب».
(جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۳۶/۲)

وی سپس در توضیح «من يقوم مقامه: کسانی که دارای ویژگی ای که قائم مقام دو ویژگی یعنی: عادل بودن و ضابط بودن هستند» می نویسد:

عبارت «أو من يقوم مقامه» را گفتیم تا با این قید مراسیل کسانی که اجماع بر «تصحیح ما یصح عنهم» و اینکه «انهم لا یرسلون الا عن ثقة» نقل شده است - همانند ابن ابی عمیر و همتایان وی - در تعریف حدیث صحیح وارد شود. (جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۳۶/۲).

وی بر همین پایه، وجود یکی از اصحاب اجماع در سند را - البته به شرط آنکه سلسله سند حدیث تا ایشان صحیح باشد - قرینه ای بر صدور حدیث از معصوم می داند. و بر اساس همین مبنا در دو کتاب غایة المرام و کشف الاسرار به اعتبار سنجی احادیث پرداخته است که در ذیل به عنوان نمونه سه مورد ذکر می شود.

۱- (محمد بن أحمد بن یحیی عن یعقوب بن یزید عن ابن ابی عمیر عن بعض أصحابنا عن ابی عبد الله (علیه السلام)..
توضیح: این سند با آن که مرسل است ولی محدث جزایری به خاطر آن که مرسل آن محمد بن ابی عمیر است، حکم به صحت آن نموده است: «صحیح، و ذلك أنهم یسکنون الی مراسیل ابن ابی عمیر و یعدونها من الصحاح». (جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۳: ۱۳۸).

همچنین در سندی دیگر نیز که ابن ابی عمیر در آن واقع شده و مرسل است نیز می نویسد: «مرسل، إلا أنه لا یقصر عن الصحیح، لإجماع العصابة علی تصحیح ما صح عن ابن ابی عمیر». (جزایری، ن. ۱۴۰۸: ۲: ۱۷۵).

۲- (محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن أبیه عن عبد الله بن المغيرة عن بعض أصحابنا عن ابی عبدالله علیه السلام)
(طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۴۲)

توضیح: این سند نیز که مرسل است وی به خاطر عبد الله بن المغیره آن را صحیح شمرده و می نویسد: «قوله محمد بن یعقوب مرسل بل صحیح لأنّ عبدالله بن المغیره مما اجتمعت (اجمعت) العصابة علی تصحیح ما یصح عنه (غایة المرام، ج ۱-۳، ص ۸۱)

ب) شیخ اجازه بودن یا مشایخ اجازه

مراد از مشایخ اجازه کسانی هستند که بزرگانی از قبیل نجاشی، کلینی، صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی از آن ها اجازه نقل از کتب یا اصول را دریافت نموده اند. محدث جزائری بر این باور است که وجود مشایخ اجازه در سلسله سند، اگر چه ضعیف، مجهول یا مهمل باشند، در اعتبار روایت و صدور آن از معصوم خللی وارد نمی کند. زیرا به باور وی ذکر نام مشایخ اجازه توسط محدثان در سند تنها از باب تیمن و تبرک و اتصال سند به صاحب کتاب بوده است «و مشایخ الإجازة انما یذکرون فی عنوان الأسانید للتمین ولاتصال السند فلا یضّرّ ضعفه إن کان». (غایة المرام، ج ۱-۳، ص ۶۰).

وی بر همین پایه روایاتی را که سهل بن زیاد (غایة المرام، ج ۱-۳، ص ۱۲۴) احمد بن محمد بن حسن بن الولید و احمد بن محمد بن یحیی العطار (غایة المرام، مخطوط، ج ۱، ص ۴۵) در آن ها وجود دارند به شرط آن که بقیه راویان ثقة باشند، معتبر می داند.

ج) اکتثار روایت مشایخ و راویان عادل از شخص

محدث جزائری اکتثار روایت مشایخی از قبیل شیخ صدوق، شیخ مفید، کلینی، شیخ طوسی، و دیگران از یک راوی را دال بر وثاقت و معتبر بودن حدیث وی می داند.

وی بر همین اساس، در مقدمه غایه المرام تحت عنوان المطلب الثالث گروهی از روایان مجهول را توثیق نموده است (غایه المرام، ج ۱-۳، ص ۴). و در اعتبار سنجی روایات در کشف الاسرار و غایه المرام عمل نموده است. به عنوان نمونه «محمد بن اسماعیل» که کلینی حدود هزار روایت را در کتاب کافی با واسطه وی نقل نموده است. اما با توجه به این که این نام مشترک بین حدود بیست تن ثقه و غیر ثقه است و از جهتی کلینی کنیه یا نسبت او را تذکر نداده است از این رو شناسایی وی به بحث جدی میان اهل حدیث و رجال تبدیل شده است. از این رو، محدث جزائری نیز ضمن طرح بحثی مفصل جهت شناسایی این راوی به طور قطعی به تعیین شخص وی دست نیافته است با این همه طبق معیار مذکور مذکور وی را ثقه می داند و حکم به صحیح بودن روایات وی نموده است: «لکن اکثر الروایة عنه و کونه من مشایخ الکلینی (ره) شاهد عدل علی حسن حاله و صحه روایته فروایته عندنا من الصحاح قطعاً». (غایه المرام، ج ۱-۳، ص ۵۵) احمد بن عبدون (غایه المرام، ج ۱-۳، ص ۶۴) و عمرو بن شمر نیز دوتن دیگر از روایانی هستند که محدث جزائری بر اساس معیار یاد شده روایات آن ها را صحیح شمرده است.

د) صاحب کتاب و اصل بودن

محدث جزائری صاحبان کتب و اصول روایی را در صورتی که تضعیف نشده باشند، ممدوح و قرینه ای بر اعتبار حدیث آنان می داند. (غایه المرام ص ۱-۳، ص ۶۰) وی بر همین اساس روایتی را که «معاویة بن میسر» در آن واقع شده است، معتبر دانسته و می نویسد:

« مجهول علی اصطلاح الأصحاب رضوان الله علیهم باین میسر لکن رووا آن له کتباً قد رواها الثقات و عندها (عندهم) انّ هذا ربّما تناول المدح فیکون حدیثه حسناً» طبق اصطلاح اصحاب (رضوان الله علیهم) این روایت مجهول است ولی (قدمای رجال شناس) روایت کرده اند که وی کتاب هایی دارد که افراد ثقه آن ها را روایت نموده اند و چه بسا از دید آنان (قدمای رجال شناس) قرینه ای بر مدح بوده و لذا حدیث وی حسن خواهد بود. (غایه المرام ص ۱-۳، ص ۶۰).

وی همچنین روایات «محمد بن سهل» را معتبر دانسته و می نویسد: «و الأكثر عدّوا حدیث محمد بن سهل فی قسم المجهول ولكن حیث ورد ان له مسایل الی الرضا علیه السّلم ادخلناه فی الحسان». (غایه المرام ص ۱-۳، ص ۳۳۴).

۴-۲-۲- اعتبار سنجی روایات بر اساس قرائن

الف) شهرت عملی

مقصود از این نوع شهرت، شایع شدن و شهرت یافتن عمل قدمای از فقها در مقام فتوا به روایتی و کثرت استناد به آن است و چنان چه سند آن ضعیف باشد این نوع از شهرت باعث جبران ضعف آن می شود. (مشکینی، ۱۳۷۴ش: ۱۵۵) همچنین روی گرداندن و اعراض فقهای مذکور از روایتی که سندش صحیح باشد، باعث کنار گذاشتن آن می شود. (مشکینی، ۱۳۷۴ش: ۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق: ۳۸۱/۲)

محدث جزائری شهرت عملی را یکی از قرائن صدور حدیث می داند و بر همین اساس اگر روایتی ضعیف السند باشد ولی عمل قدمای از فقها در مقام فتوا به آن شهرت داشته باشد معتبر می داند و در عین حال اگرچه روایتی صحیح السند باشد ولی در صورتی که در عمل نکردن فقهای مذکور به آن شهرت داشته باشد نا معتبر می داند. به عبارت دیگر وی شهرت عملی را از قرائن صدور یا عدم صدور حدیث از معصوم می داند و بر همین اساس در غایه المرام و کشف الاسرار به اعتبار سنجی روایات پرداخته است.

به عنوان نمونه

۱- وی دو حکمی را که در حدیث ذیل که منسوب به امام علی علیه السلام است، علی رغم ضعف سندی، پذیرفته است. در حدیث مذکور چنین آمده است:

« امیر المؤمنین علیه السلام دو نفر که با هم نماز کرده و یکی از آن دو بدیگری گوید: من امامت تو کردم، و دیگری نیز گوید: من امام تو بودم، فرمود:

نماز آن دو نفر صحیح است، راوی گوید: عرض کردم: حال اگر یکی از آن دو بدیگری بگوید: من به تو اقتدا کردم، و دیگری نیز بگوید: من به تو اقتدا کردم چگونه است؟ آن حضرت فرمود: نماز هر دو باطل است و هر دو نفر باید نماز را دوباره بخوانند.»

سند حدیث فوق عبارت است از: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ، قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ...» (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۵۴) که محدث جزائری آن را ضعیف ارزیابی کرده است و در جبران ضعف آن می نویسد: «و ضعف سنده منجبر بشهرة العمل به بین الاصحاب و كلامهم» (غایه المرام ج ۱-۳ ص ۴۱۴).

گفتنی است نوفلی و سکونی که از روایان عامی مذهب اند به لحاظ وثاقت و یا عدم وثاقت مورد اختلاف هستند که محدث جزائری نوفلی را ضعیف ولی سکونی را به جهت اکتار روایت اجلاء از وی ثقه دانسته می داند. (جزائری، ن. ۱۴۰۸: ۲/ ۲۰۹-۲۱۰ و برای نمونه بیشتر نک: غایه المرام ج ۱-۳ ص ۷۵ و ۳۰۷؛ جزائری، ن. ۱۴۰۸: ۲/ ۱۹۱ و ۳۲۱ و ۳/ ۱۸۵ و ۴۳۳).

۲- در مورد این که آیا بول قاطر و الاغ نجس است یا نه؟ روایات دو دسته اند که محدث جزائری روایات دال بر نجس بودن را صحیح السند و روایات دال بر پاک بودن را ضعیف السند می داند. با این همه به خاطر این که عمل نکردن به روایات دال بر نجس بودن دارای شهرت است لذا وی همین شهرت را قرینه ای بر عدم صدور آن ها دانسته و به آن ها عمل نکرده بلکه به روایات ضعیف السند عمل نموده است. (جزائری، ن. ۱۴۰۸: ۳/ ۴۵۷ نمونه دیگر: جزائری، ن. ۱۴۰۸: ۲/ ۲۷۳).

ب) شهرت روایی

مقصود از این نوع شهرت، شایع شدن و شهرت نقل روایتی بین روایان و محدثان نزدیک به زمان حضور ائمه (مشکینی، ۱۳۷۴ش: ۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق: ۲/ ۳۸۱) و نگارش آن در کتاب های ایشان است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق: ۲/ ۳۸۱) به بیان دیگر نقل حدیث در کتاب هایی چون کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، استبصار و ... می تواند از نشانه های شهرت آن باشد.

در شهرت روایی لزوماً این گونه نیست که کثرت نقل به حد تواتر برسد یا این که عمل به آن در نزد فقیهان شهرت داشته باشد. (مظفر، ۱۳۸۷ش: ۵۰۷)

اصولیین این نوع شهرت را جزء مرجحات باب تعارض قرار داده اند به این معنی که اگر دو روایت متعارض وجود داشته باشد و یکی از آن ها مشهور باشد، به روایت مشهور عمل می شود و روایت مقابل آن کنار گذاشته می شود. (مشکینی، ۱۳۷۴ش: ۱۵۵)

ج) مقبولیت

از جمله قرائنی که محدث جزائری برای پذیرش خبر واحد بدان معتقد است مقبول بودن حدیث است. مقصود از مقبول بودن حدیث تلقی به قبول و عمل کردن به آن است. این تلقی به قبول و پذیرش، بدون توجه به صحت یا عدم صحت سند حدیث است؛ (مامقانی، ۱۴۱۱ق: ۱/ ۲۷۹) به عبارتی اگر حدیثی از نظر سندی ضعیف باشد اما به خاطر عمل کردن به آن مقبول نامیده می شود.

نمونه ای که محدث جزائری برای این نوع روایت ذکر می کند مقبوله عمر بن حنظله است. سند این روایت در کتاب کافی به این صورت است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ...» (کلینی، ۱۳۶۲ش: ۱/ ۶۷ و ۷/ ۱۲۷).

و در کتاب تهذیب الاحکام با اندکی اختلاف به صورت زیر آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۶/ ۲۱۸)

و چنان که برخی محققان یادآور شده اند سند کافی درست است البته با توجه به این نکته که «محمد بن الحسین» موجود در آن تصحیف «محمد بن الحسن» است. (بنگر: کلینی، ۱۴۲۹ق: پاورقی ۱/۱۶۹) و الموسوعة الرجالية (تبریزی، ۱۴۲۹ق: ۳/۵۱۹). محدث جزائری ضمن تصریح به اینکه عمر بن حنظله از سوی اهل رجال توثیق نشده و به عبارتی مجهول است، عمل به روایت وی را با استناد به این که اصحاب این روایت را تلقی به قبول نموده به گونه ای که آن را «مقبوله» عمر بن حنظله نامیده اند، مورد تأکید قرار می دهد. (غایة المرام، ۳-۵، ص ۵۱۷)

وی در همین راستا، سخن صاحب معالم را که در صدد بی اعتبار نمودن روایت یاد شده به جهت وجود عمر بن حنظله برآمده، مردود دانسته و دلایلی دیگر نیز در تأیید اعتبار آن ارائه نموده است. (غایة المرام، ۳-۵، ص ۵۱۷)

۵- نقد و بررسی

علی رغم تلاش ها و دقت های رجالی فروان محدث جزائری جهت بررسی اسناد کار وی خالی از عیب و نقص نمانده است لذا در ذیل به نقد و بررسی کار وی می پردازیم.

۱- مجمل بودن ارزیابی ها

محدث جزائری در ارزیابی بسیاری از اسنادی که آن ها را مجهول یا ضعیف ارزیابی نموده است به طور مشخص بیان نکرده است ضعف از جانب کدام یک از راویان سلسله سند است. این گونه ارزیابی ها به دو علت رخ داده است. الف) نام راوی یا راویان مجهول یا ضعیف در اسناد قبلی تکرار شده و وی در آنجا علت مجهول بودن یا ضعیف بودن آن ها را خواه به طور مفصل و خواه به صورت مختصر و اشاره بیان نموده است.

این نوع ارزیابی شاید تا حدودی قابل توجه باشد ولی به هر حال خواننده را با سردرگمی و گاه صرف وقت فراوان جهت یافتن راوی مجهول یا ضعیف مواجه می سازد و به یقین سختی کار خواننده آنجا که نام یک راوی مشترک بین چند نفر باشد و یا این که با مبانی محدث جزائری در تصحیف و توثیق راویان آشنایی کامل نداشته باشد، چندین برابر می شود و چه بسا تلاش وی به خاطر فراوانی اسناد و راویان جهت یافتن علت نقص سند، بی نتیجه باقی بماند.

ب) نام راوی یا راویان مجهول یا ضعیف در اسناد قبلی تکرار نشده است ولی در عین حال وی بر اساس مبانی یا نظرات رجالی خود که در ذهن داشته است به ارزیابی اسناد پرداخته و آن ها را مجهول یا ضعیف ارزیابی نموده است. این گونه روش در اعتبار سنجی اسناد تنها زمانی قابل توجیه است که نویسنده حال رجالی همه راویان را در بخش یا تألیفی جداگانه بیان کرده باشد که کار محدث جزائری در این زمینه البته خالی از چنین ویژگی مثبتی است. در ذیل به ذکر یک نمونه در این زمینه بسنده می کنیم.

مثال: وی در ارزیابی این سند: «علي بن الحسن بن فضال عن محمد بن علي عن الحسن بن محبوب عن هشام بن سالم عن سورة بن كليب قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المرأة الحائض أ تغسل ثيابها التي لبستها في طمئتها؟ قال: تغسل ما الجنب مطلقا، وعن العرق من الحرام» می نویسد: «مجهول» (جزائری، ن. ۱۴۰۸ق: ۳/۴۸۸)

وی در این روایات مشخص نکرده است که مجهول بودن سند به خاطر ضعیف بودن یا مجهول بودن کدام راوی است؛ گرچه با بررسی کتاب های رجالی معلوم می شود که این ایراد متوجه سورة بن کلب است. توضیح بیشتر مطلب این که سورة بن کلب مشترک بین سورة بن کلب اسدی و سورة بن کلب نهدی است. شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۳ ش: ۱۳۷ و ۲۲۳) و برقی اسدی را جزء اصحاب دو امام همام، امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) ذکر کرده اند و کشتی نیز به نقل از امام باقر علیه السلام روایتی که دال بر حسن عقیده سورة بن کلب است، آورده است. (کشتی ضمن طوسی، ۱۴۰۴: ۲/۶۷۴؛ خویی، بی تا: ۹/ ۳۳۷-۳۳۶) بنابراین، نمی توان سورة بن کلب اسدی را مجهول دانست. از طرفی شیخ طوسی سورة بن کلب نهدی را جزء اصحاب امام

صادق علیه السلام ذکر کرده است که هیچ توثیق یا مدحی درباره وی ذکر نکرده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۲۳) و دیگر رجال شناسان نیز متعرض حال رجالی وی نشده اند (خویی، بی تا: ۹/۳۳۸).

گفتنی است با این که نام این راوی در سلسله اسناد قبلی واقع نشده در عین حال، محدث جزایری حال رجالی وی را نیاورده است. البته لازم بود در این جا که برای اولین بار نام وی در سلسله سند واقع شده به مشترک بودن و نیز مجهول بودن وی به طور مشخص اشاره می کرد.

نمونه دوم:

أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِوْنٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْأَوْدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ الْكَرْحِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

وی حدیث فوق را بدون هیچ گونه توضیح مجهول ارزیابی نموده است. و می نویسد: «مجهول و فی الکافی عن ابراهیم بن زیاد هو الاولی» (غایة المرام، مخطوط، ج ۱-۳ ص ۶۹).

در توضیح علت مجهول بودن باید گفت: نام و حال رجالی «حسین بن عبد الملک الأودی» در کتب رجال ذکر نشده است. (خویی، بی تا، ۱۷/۶-۱۸) و به همین خاطر روایت فوق نیز ضعیف و مجهول ارزیابی می شود. گفتی است در مورد وثاقت «علی بن محمد بن الزبیر (القرشی یا الأزدی)» نیز اختلاف وجود دارد. منشأ اختلاف این است که نجاشی به صراحت درباره وثاقت وی سخن نگفته بلکه تنها در ذیل شرح حال «أحمد بن عبد الواحد بن أحمد البزاز» گفته است: «وكان قويا في الأدب، قد قرأ كتب الأدب على شيوخ أهل الأدب، وكان قد لقي أبا الحسن علي بن محمد القرشي المعروف بابن الزبير، وكان علوا في الوقت» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۷) در عبارت نجاشی دو ابهام وجود دارد اول این که مرجع ضمیر در «كان علوا في الوقت» کیست؟ أحمد بن عبد الواحد یا علی بن محمد؟ دوم این که به فرض این که مرجع ضمیر «علی بن محمد» باشد آیا عبارت «كان علوا في الوقت» می تواند قرینه ای بر وثاقت وی باشد؟

خویی در معجم رجال الحدیث معتقد است حتی اگر مرجع ضمیر «علی بن محمد» باشد عبارت فوق قرینه ای بر وثاقت وی نیست؛ زیرا نجاشی همین عبارت را درباره «إسحاق بن الحسن بن بکران» به کار برده در عین حال که وی را ضعیف می داند و به صراحت درباره وی می نویسد: «كثير السماع ضعيف في مذهبه رأيته بالكوفة و هو مجاور و كان يروي كتاب الكليني عنه و كان في هذا الوقت علوا فلم أسمع منه شيئا» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۴).

به هر حال محدث جزایری در بررسی سند فوق می بایست دیدگاه خود را درباره «علی بن محمد بن الزبیر» نیز بیان نماید تا به طور مشخص معلوم شود که علت مجهول بودن روایت فوق از دیدگاه وی به چه علتی است.

۲- ارزیابی برخی اسناد بر خلاف مبانی و نظرهای خودش

الف) حکم به تضعیف اسانیدی که راویان آن ها ثقه یا ممدوح هستند

با این که وی برخی راویان را ثقه یا ممدوح دانسته است و چنان چه در اسنادی واقع شوند باید حکم به صحیح، حسن یا موثق بودن آن ها نمود با این همه وی گاهی حکم به ضعیف بودن آن ها نموده است. از جمله مواردی که چنین اشتباهی رخ داده است اعتبار سنجی برخی اسناد است که «محمد بن سنان» در آن ها واقع شده است. محدث جزایری علی رغم این که وثاقت وی را مورد تأکید قرار داده است (غایة المرام، مخطوط، ج ۱-۳ ص ۵۷-۵۹ و ۸۰ و ۱۹۸) با این همه در موارد متعددی روایات وی را ضعیف ارزیابی نموده است.

به عنوان نمونه درباره سند:

«وَأَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ...» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۲۳۱).

می نویسد: «ضعیف بابن سنان لآئه كما سبق أن ابن مسكان من مشايخ محمد بن سنان». (غایة المرام، مخطوط، ج ۱-۳ ص ۲۲۹).

ب) حکم به تضعیف روایات اصحاب اجماع

وی با این که روایات اصحاب اجماع را - حتی در صورت ضعیف بودن واسطه یا انقطاع سند- در زمره احادیث صحیح می داند با این همه بارها از این مبنا عدول نموده و روایات آن‌ها را ضعیف یا مرسل ارزیابی نموده است. از جمله نمونه‌ها این سند است:

(مَا أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ...) (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۶/۱)

وی در ارزیابی این سند می گوید: «ضعیف ب- عثمان بن عیسی» فانه كان واقفياً» (غایة المرام، مخطوط، ج ۱ ص ۴۵) در حالی که «عثمان بن عیسی» در زمره اصحاب اجماع است و بر طبق مبنای وی روایات اصحاب اجماع صحیح محسوب می شوند. «أَخْبَرَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)...» (طوسی، ۱۳۹۰ق: ۱/۶۸).

سند مذکور به خاطر «عن رجل» مرسل است اما با توجه به این که (عبدالله) بن مغیره از وی روایت نموده و جزء اصحاب اجماع است نباید مرسل ارزیابی شود با این همه وی آن را مرسل ارزیابی نموده است «اخبرني الحسين، مرسل» (کشف الاسرار ج ۲ ص ۴۶۵)

و یا در این سند «و بهذا الإسناد عن مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَكِينٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۸۳) که «محمد بن سکین» واقع شده و مجهول است و بر اساس روایت ابن ابی عمیر از وی باید صحیح ارزیابی شود با این همه محدث جزایری آن را «حسن» ارزیابی نموده است: «و بهذا الاسناد حسن لأنّ الحكم بن سکین و ان كان مجهولاً إلا أنه من مراسيل ابن ابی عمیر» (غایة المرام، ۱۴۵۸ مخطوط ص ۱۹۸)

ج) به کار بردن اصطلاح «کالصحیح»

وی در اعتبار سنجی روایات در چند مورد اصطلاح «کالصحیح» را به کار برده است که دو مورد آن در تضاد با مبانی وی است. دو مورد مذکور عبارتند از:

الف) روایتی که «هیثم بن ابی مسروق» در طریق آن وجود دارد. (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۸/۶) وی به کار بردن اصطلاح «کالصحیح» را درباره روایت «هیثم بن ابی مسروق» به این خاطر می داند که علامه حلی طریق وی در کتاب «من لا یحضره الفقیه» را صحیح دانسته است. «قولنا في الأول كالصحيح باعتباران الهيثم بن أبي مسروق و ان ورد فيه أنه فاضل و هي عندهم من عبارات المدح لا لتوثيق لكن العلامة في الخلاصة حكم بأن طريق الفقيه إلى نویر بن ابی فاخته صحیح مع ان فيه الهيثم بن ابی مسروق». (غایة المرام، مخطوط، ۳-۵، ص ۴۰۹)

به کار بردن اصطلاح «کالصحیح» در مورد فوق از این جهت در تضاد در مبانی وی است که منوط به اعتبار آراء رجالی و توثیق های متأخران از جمله علامه حلی نزد وی است این در حالی است که وی آراء رجالی و توثیق های متأخران را معتبر نمی شمرد. به عنوان نمونه یکی از مواردی که وی بر توثیق متأخران اعتماد نکرده است روایتی است که «عبدالملک بن عمرو» در طریق آن وجود دارد. توضیح بیشتر مطلب این که علامه حلی نام «عبدالملک بن عمرو» را در بخش اول خلاصة الأقوال - که مشتمل بر روایانی است که نظر وی درباره آنان مثبت است - ذکر نموده است (علامه حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۱۵) و بر همین اساس در کتاب «مختلف الشیعة» اسنادی را که «عبدالملک بن عمرو» در آن واقع شده، صحیح ارزیابی نموده است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۷۳/۲ و ۲۳۵/۸) ولی محدث جزائری با استناد به سخن شیخ بهایی در حبل المتین (عاملی، بهاء الدین، ۱۳۹۰ق: ۲۳۶) سخن وی را به

جهت این که دلیلی روشن بر وثاقت «عبدالملک بن عمرو» وجود ندارد، مردود دانسته و می نویسد: «حدیث عبد الملک غیر نقی السند و قول العلامة فی لف إبه صحیح محلّ بحث، فإنا لم نظفر بما يدلّ علی توثیق عبد الملک بن عمرو و ما روی عن الصادق (علیه السلام) قال «إني لأدعو لك حتى اسمي دأبتك» لا يفيد توثيقه فأنه هو الراوی لهذه الرواية و هو مزكّ لنفسه» (غایه المراد ص ٨١ نسخه صلاه)

(ب) روایت زیر که «ابراهیم بن عقبه» در طریق آن وجود دارد.

« مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُقْبَةَ يَسْأَلُهُ عَنِ الْفِطْرَةِ كَمْ هِيَ... » (طوسی، ١٤٠٧ق: ٨٨/٤).

محدّث جزائری علی رغم این که «ابراهیم بن عقبه» را مجهول می داند ولی در عین حال ظاهر روایت مذکور را - به خاطر عبارت «کتب الیه» که شهادتی است از سوی «محمد بن عیسی» بر وقوع مکاتبه فوق - دالّ بر صدور آن از معصوم می داند «ابرهیم بن عقبه من اصحاب الهادی (علیه السلام) و ان كان مجهولاً إلا أنّ ظاهره محمّد بن عیسی اطلع علی تلك المکاتبه» (غایه المرام، مخطوط، ٣-٥، ص ٣١ و ٣٢).

این مورد نیز از آن جهت در تضاد در مبانی وی است که مبناى وی در تصحیح و تضعیف روایات معیار متأخران است. و چنان که گفتیم معیار متأخران در اطلاق عنوان «صحیح» بر روایت، وثاقت راویان است نه اطمینان و وثوق به صدور آن.

(د) به کار بردن اصطلاح «مجهول»

چنان که گذشت، وی مبناى اعتبار سنجی روایات را معیار متأخران قرار داده است و بر همین اساس روایات را به چهار دسته صحیح، حسن، موثّق، و ضعیف تقسیم نموده است. (جزائری، ن. غایه المرام، ٣-١، ص ١ و ٢ و ٤٩؛ جزائری، ن. ١٤٠٨: ٣٦/٢ - ٣٨) با این همه در موارد بسیار زیادی از این مبنا عدول نموده و قسم «مجهول» را نیز بر آن ها افزوده است. وی تعریفی از حدیث مجهول ارائه نداده است ولی با بررسی اسنادی که این اصطلاح را در ارزیابی آن ها به کار برده است چنین به دست می آید که وی اسنادی را که راویان آن ها مجهول اند را مجهول نامیده است (به عنوان نمونه: جزائری، ن. غایه المرام، ٣-١، ص ٤٧ و ٥٥ و ٦٠) که در واقع چنین اصطلاحی را باید صفتی برای بیان حال رجالی راوی دانست نه صفتی برای بیان میزان اعتبار سند.

٤- به کار بردن اصطلاح «کالصحیح» بر اساس معیاری نادرست

وی در مورد روایاتی که «سالم بن مکرم (ابی خدیجه)» در طریق آن ها قرار دارد (طوسی، ١٤٠٧ق: ٥/٢٢١؛ طوسی، ١٤٠٧ق: ٦/٣٠٣؛ طوسی، ١٤٠٧ق: ٣/٢٧٥؛ طوسی، ١٤٠٧ق: ١٠/٥٩) اصطلاح «کالصحیح» را به کار برده است (غایه المرام، مخطوط، ٣-٥، ص ٢٢٠؛ غایه المرام، مخطوط، ٣-٥، ص ٥١؛ غایه المرام، مخطوط، ٣-١، ص ٥٤٣؛ غایه المرام، مخطوط، ٥-٨، ص ٧١٢).

وی علّت به کار بردن اصطلاح مذکور را درباره روایات «سالم بن مکرم» تعارض اقوال رجال شناسان درباره او و ترجیح اقوال دالّ بر توثیق وی بیان می کند: « و اّما قلنا ان حدیث أبی خدیجه و هو سالم بن مکرم کالصحیح لتعارض الأقوال فیه فان ارباب الرّجال منهم من ضعفه و منهم من وثقه و هم الاکثرون و الذی یلوح لنا من تتبع کتب الرّجال هو ترجیح توثيقه فیکون الحدیث صحیحاً. (غایه المرام، مخطوط، ٣-٥، ص ٢٢٠).

٥- اشتباه در تعیین حال رجالی راویان

برخی راویان با این که در کتب رجالی به صراحت حال رجالی آن ها از سوی رجال شناسانی از قبیل شیخ طوسی و نجاشی تعیین شده است با این همه وی آنان را مجهول دانسته است. به عنوان نمونه وی در ارزیابی این سند (و بهذا الاسناد عن محمد بن أحمد

بن یحیی عن أبي جعفر عن أبيه عن حفص بن غياث عن جعفر بن محمد (عليه السلام) قال: «مى نويسد:» مجهول بابن غياث» (جزائری، ن. ۱۴۰۸ ق: ۲/ ۲۱۷-۲۱۸)

این در حالی است که شیخ طوسی به صراحت حفص بن غياث (بن طلق بن معاينه نخعی کوفی) در کتاب الرجال را از روایان عامی مذهب و از اصحاب امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام بر شمرده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۳۳ و ۱۸۸ و ۳۳۵) و در الفهرست درباره می نویسد: «حفص بن غياث القاضی، عامی المذهب له کتاب معتمد» (طوسی، ۱۴۱۶ ق: ۱۸۵) و در کتاب عده الاصول نیز وی را جزء روایان عامی مذهبی دانسته که طائفه (شیعه) به روایات وی عمل نموده اند. (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۱/ ۱۴۹) نمونه دیگر این سند است «أخبرني الشيخ (رحمه الله) عن أحمد بن محمد عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن الهيثم بن أبي مسروق النهدي عن مروك بن عبید عن نشیط بن صالح عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: «که «نشیط بن صالح بن لفافة» در آن قرار دارد، می نویسد: «مجهول ب» نشیط»» (جزائری، ن. ۱۴۰۸ ق: ۲/ ۳۳۷).

این در حالی است که شیخ طوسی در کتاب الرجال با وصف «مولا هم کوفی» (طوسی، ۱۴۲۷ ق: ۴۳۰) و در الفهرست با وصف «له کتاب» (طوسی، بی تا: ۱۷۲) و نجاشی با وصف «مولی بنی عجل روی عن أبي الحسن موسى عليه السلام، ثقة. له کتاب» (نجاشی، ۱۴۰۷ ق: ۴۳۰) و کشی نیز با ذکر روایاتی درباره وی (کشی، بی تا. ۷۴۸/۲) از او یاد کرده اند. گفتنی است وی در غایة المرام روایت مذکور را به جهت وجود «الهیثم بن أبي مسروق النهدي» در سلسله سند «حسن» ارزیابی نموده است. (غایة المرام، مخطوط، ۱-۳، ص ۷۵)

وی همچنین روایت «عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع...» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۸/ ۲۰۲)

را «موثق كالصحيح» ارزیابی نموده است (غایة المرام، مخطوط، ۵-۸، ص ۵۴۸) در حالی که روایت فوق به خاطر انقطاع در سند «عن رجل» باید مرسل ارزیابی شود که البته چون وی گاهی روایات اصحاب اجماع را در حکم حدیث صحیح دانسته است لذا باید «مرسل كالصحيح» ارزیابی شود.

منابع و مأخذ

(۱) چاپی

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ هـ.ق). *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، دار الأضواء، بیروت.
۲. تبریزی، جواد. (۱۳۹۰ ش). *الموسوعة الرجالية*، تحقیق: قیومی اصفهانی، جواد، قم، دار الصدیقة الشهیدة (سلام الله علیها).
۳. جزائری، ن. (۱۴۰۸ ق). *کشف الأسرار فی شرح الاستبصار*، تحقیق و تعلیق: جزائری، طیب، قم، مؤسسه دار الکتب.
۴. جزائری، ن. (۱۴۰۸ هـ.ق). *کشف الأسرار فی شرح الاستبصار*، تحقیق و تعلیق: جزائری، طیب، قم، مؤسسه دار الکتب، چ ۱.
۵. جزائری، م. (۱۴۱۸ ق). *نابغة فقه و حدیث: سید نعمت الله جزائری*، قم، مجمع الفكر الإسلامی.
۶. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۱ ق). *خلاصة الأقوال*، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریة.
۷. خوانساری، محمد باقر. (بی تا). *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*. قم: دهاقانی (اسماعیلیان)، بی چا.
۸. خوانساری، محمد باقر. (بی تا). *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*. قم: دهاقانی (اسماعیلیان)، بی چا.
۹. خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ ق). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، [بی جا]، [بی نا]، چ ۵.
۱۰. دانش پژوه، محمد تقی و علمی انواری بهاء الدین. (۱۳۵۹ ش)، *فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۱. شوشتری، میر عبداللطیف. (۱۳۶۳ ش). *تحفة العالم و ذیل التحفة: سفرنامه و خاطرات*، تهران، کتابخانه طهوری، چ ۱.
۱۲. صدرایی خویی، علی. (۱۳۸۲ ه.ش). *فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه*، قم، دار الحدیث، چ ۱.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ ۴.
۱۴. عاملی، ح. (۱۴۰۱ ق). *وصول الأخبار إلى أصول الأخبار*، تحقیق: السید عبد اللطیف، قم، مجمع الذخائر الاسلامیة.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ق). *الکافی*، قم، دار الحدیث.
۱۶. مامقانی، عبد الله. (۱۴۱۱ ق). *مقیاس الهدایة فی علم الدراریة*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۷. مشکینی، علی. (۱۳۷۴ ش). *اصطلاحات الأصول و معظم ابحاثها*، قم، دفتر نشر الهادی.
۱۸. مظفر، محمد رضا. (۱۳۷۵ ش). *أصول الفقه*، قم، اسماعیلیان.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ ق). *انوار الأصول*، تقریر: قدسی، احمد، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۲۰. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ ش). *رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

(۲) نسخ خطی:

- (۱) جزایری، ن. *الانوار النعمانیة فی بیان معرفه النشاه الانسانیة*، کاتب: محمد تقی بن نقی، تاریخ کتابت: ۱۲۴۶ ق، کتابخانه ملی، شماره ثبت: ۱۵۷۴ ع، شناسه کد کتاب 808255.
- (۲) _____ . *غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام*، کاتب: محمد علی بن محمد جعفر، تاریخ کتابت (۱۲۵۵-۱۲۵۷ ق)، کتابخانه مجلس، شماره قفسه: ۴۴۵۸.
- (۳) _____ . *غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام*، کاتب: محمد علی بن محمد جعفر، تاریخ کتابت (۱۲۵۷ ق)،

- کتابخانه مجلس، شماره قفسه: ۴۴۵۹.
- (۴) . غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام، کاتب: محمدعلی بن محمدجعفر، تاریخ کتابت (۱۲۵۵ق.)، کتابخانه مجلس، شماره قفسه: ۴۴۶۰.
- (۵) . غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام، کاتب: ابراهیم بن زبیدی الطرفی (تاریخ استنساخ: ۱۰۹۳ق.)، کتابخانه ملی، شماره شناسایی: ۲۰۱، شناسه کد کتاب: 1811391، ابتدا و انتهای نسخه حاضر افتادگی دارد و شامل جزء ۲ (ص ۱-۳۵۰) و جزء سوم (ص ۳۵۴-۶۶۸) می باشد.
- (۶) . غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام (تحت عنوان: کنز الطالب و وسیلة الراغب)، کاتب: ابراهیم بن زبیدی الطرفی (تاریخ استنساخ: قرن ۱۱ق.)، کتابخانه ملی، شماره شناسایی: ۸۶۰۶/۱ و ۲۳۶، شناسه کد کتاب: 1659334، نسخه حاضر از اول تا آخر جزء سوم این کتاب است و در تاریخ ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲ق و در حویزه تألیف شده است.
- (۷) غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام، کاتب: محمدبن علی بن محمودبن ابراهیم الجزایری (تاریخ استنساخ: قرن ۱۱ق.)، کتابخانه ملی، شماره شناسایی: ۷۵۹۸۹، شناسه کد کتاب: 1058665، نسخه حاضر جلد هفتم غایة المرام است. مولف این کتاب را در سال ۱۰۹۸ق. در شوشتر در مدرسه اش نزدیک مسجد جامع تألیف کرده است.